

دکتر مهدی بهرامی

استاد دانشگاه تهران

موزه دار قسنت اسلامی موزه تهران

# یکه صورت سازی در نقاشی

## قرون اخیر

پرتره یا یکه صورت و شبیه اشخاص در تاریخ نقاشی کشور از چند لحاظ مورد توجه قرار گرفته و باشکال مختلف بروز کرده است. در دوران باستان تصویر هر شخصی رابطه معنوی با وجود او داشته نماینده مقام و ارزش روحانی یا اجتماعی او بوده است. بهمین مناسبت در دست جادوگران و سیله انجام مقاصد نیک یا بد قرار گرفته و مورد توجه زمامداران مذاهب یهود و مسیحی و اسلام هر یک بنوبه خود واقع شده است.

اما این توجه در همه وقت یکسان و یک منظر نبوده و باهی مورد ستایش و زمانی تمایه تنفر طرفداران دین قرار گرفته. و هر وقت که شبیه سازی با افکار جادوگری دست بهم داده بنیان دین را متزلزل ساخته و برای ایجاد انتظام و امکان روابط دوستی افراد جامعه، ادیان مختلف در صدمبارزه با آن برآمده اند.

در کشور پهناوریکه دین مسیح بر آن تسلط یافته بود نخست فن شبیه سازی رونق گرفته و تصاویر زیادی از حضرت مریم و مسیح و حواریون او برای اشاعه دین باطراف فرستاده میشد ولی بزودی پیکر ظاهری حالت معنوی و جنبه دینی یافته و در نظر مردم قابل پرستش گردیده و در وصف آن پیکر سرودها خوانده و در پیش آن نماز میکردند یا از پیکر درخواست

اعجاز مینمودند. از این رو دو باره تنزل محسوسی در دین مسیح بروز کرد و زمامداران دین را به جلوگیری از پیشرفت آن وا داشت و از سال ۷۲۶ میلادی و زمان سلطنت ثئون سوم امپراطور روم شرقی مبارزه‌های خونین بین مأمورین اجرای حکم کلیسا و مردم آغاز گشت .

نهضت بزرگی که در ایران ضد تصاویر موجودات زنده از طرف دین اسلام بروز کرده با آنکه بظاهر شروع آن باید بالطبع با دوران اقتدار خلافت اسلام در ایران توأم باشد ولی شواهد بسیاری نقض آنرا نشان می دهد و بنظر میرسد تمدن ساسانی که بابر قراری دولت عرب از بین نرفته بود قرن‌ها بر افکار عمومی مردم تسلط داشته و قوانین دین اسلام نمیتوانست با ساسانی عادات و رسوم مردم را تغییر دهد چنانکه تصاویر مختلفی از موجودات زنده و انسان بر روی ظروف سیمین و سفالین لعابدار متعلق بقرون اولیه اسلام نقاشی شده و امروز نمونه‌های آن در موزه های بزرگ دنیا مشاهده میشود. و بعلاوه چنانکه میدانیم در شهر سامره که خلفای عباسی برای تفریح و خوش گذرانی خود ساخته بودند (۲۲۳-۲۷۵ هجری) کاخ الجوسق بمجالس مختلفی مزین بوده که برخی از تصاویر آن در ضمن کاوش های اخیر بدست آمده است .

در خرابه های شهر تاریخی نیشابور شبیه سواره یکی از امرای سامانی بر روی کج بدست آمد که تاریخ ساخت آنرا میتوان در اوایل قرن سوم هجری دانست و از خیت آرایش جامه و پیکر اسب نمونه های زمان ساسانی را بیاد میاورد چهره این تصویر در قرون بعد مورد تنفر متعصبین دین اسلام قرار گرفته و آنرا از میان برده اند .

امروز بمدد آثار دیگری که تصاویر موجودات زنده انسان زینت یافته و در بین ترون سوم یا پنجم هجری ساخته شده اند میتوان زمان تقریبی این تنفر را تعیین نمود، خاصه آنکه بروی یکی از گچ بریهای سلجوقی متعلق بمدرسه ای که در نزدیکی قلعه طبرک ری بدست آمده و امروز در موزه

تهران نگاهداری میشود تصویر دو قرقاول زیبایی مشاهده میگردد که در عین ساخت سر آنها را از گردن جدا ساخته اند. و چون زمان ساخت آن را از روی سبک کبچ بری و نوشته کرفی گل دار درشتی که در بالای آن قرار گرفته نمیتوان دیرتر از اوایل قرن ششم هجری دانست از اینرو میتوان گفت که در آنوقت حرمت نمایش موجودات زنده بر روی آثار تازه متداول شده و فقط در مساجد معمول بوده است.

این تعصب دینی بهیچوجه در قرآن صریحاً تأیید نشده و بجز چند حدیث دلیلی بر حرمت نمایش تصاویر اشخاص و حیوانات در دست نمیشد ولی فر مسلم اینست که تاپیش از صدور فرمان لشون سوم هیچگونه احترازی در این راه بعمل نیامده و انعکاس رفتار زمامداران دین مسیحی نسبت بتصاویر نقاشی و مجسمه سازی فقط در پایان قرن پنجم هجری در ایران تأثیر نموده و نهضت تاریخی را بوجود آورده است. با این حال ایرانیان هرگز کاملاً از نمایش تصاویر چشم پوشیده و پیوسته ظروف سفالین خوشترک و مفرغهای زیبا و پارچه های گرانبهای خود را بمجالس اشخاص و حیوانات آرایش میداده اند.

فنی که صورت سازی بیشتر در قرن نهم هجری در نتیجه ارتباط نمایندگان سیاسی و مسافرین اروپائی با دربار خراسان و ترکستان در زمان جهاننداری تیموریان بوجود آمده و یکی از زیباترین نمونه آن تصویر جوان نقاشی است که به بهزاد نسبت داده شده و از روی کار ژتیلی بلینی نقاش مشهور ایتالیائی که در سال ۸۸۵ به قسطنطنیه آمده بود ساخته شده است و دیگر تصاویر سلطان حسین بایقرا و وزیرش میرعلیشیر که یکی منسوب به بهزاد و دومی از کارهای خوب و جان دار محمود مذهب میباشد در قرن دهم و یازدهم نیز عشق یکه صورت سازی در دربار سلاطین مغول هندوستان و صفوی در تبریز و در اصفهان رواج کامل داشته و در تشویق رنرغیب سازندگان زیاده از حد توجه بعمل می آمد. در این ضمن



تصویر ۱- شبیه دوستملیخان معیرالمالک ۱۲۱۴ (مجموعه معیرالمالک)

روابط سیاسی و بازرگانی اروپائیان با دربار هندوستان و ایران مؤید پیشرفت آن گردیده و تصاویر شاهزادگان و خانواده های سلطنتی اروپائی در نزد سلاطین مانند شاه عباس و جهانگیر بسیار ارزش داشت و شاید بر سبیل اتفاق نبوده که منتهای پیشرفت صنعت یکه صورت سازی در قرن هفدهم میلادی در فرانسه و بلژیک و انگلستان با ترقی این صنعت در ایران و هندوستان مصادف گشته و استادان زبر دستی مانند رضا عباسی و بهزاد ظهور کرده اند. در شیراز سبک تزئینی نقاشی زمان صفوی بیش از سایر نقاط پایدار مانده و در زمان سلطنت زندیه از نفوذ ذوق اروپائی استفاده نموده و شیوه تازهئی را بوجود آورده که برخی از نمونه های دلپسند آن در نمایشگاه دیده میشود.

۱ - شییدوست علیخان معیر الممالک (مجموعه معیر الممالک) : نزدیک ایوانی با ستون مرمر ایستاده و پرده نیمه باز به سبک تصاویر اروپائی در پشت سرش آویخته، بدور کلاه شالی بسته و جبهه کوتاه زربفتی بر روی قباب بلند پوشیده - آستر جبهه از پوست خنزیر بوده و در حاشیه بدور آستین کوتاه و پیش سینه لبه آن نیز خنر نمودار است، دست های خود را بحال ادب بسینه گذارده و با وجود ریش انبوه، چشمان جوان و زنده اش سن او را در حدود سی سالگی مینمایاند و در پائین تصویر تاریخ ترسیم آن خواننده میشود :

و شبیه عالیجناب مقرب التحاقان دوست علیخان معیر الممالک و دولت قاهره آقا محمد شاه قاجار ۱۲۱۴ - این تصویر قدیم ترین اثری است که از زمان سلطنت فتحعلیشاه باقی مانده و نام آقا محمد شاه ارتباطی بزمان ساخت تصویر ندارد. توجه مخصوصی که از طرف سازنده نسبت به نمایش نقش زری معطوف شده و گل های پرپر آنرا با کمال دقت در میان خانه های شطرنجی جاداده برای تعیین شیوه او قابل ملاحظه میباشد.



تصویر ۲- زن رقصه بامشاه محمد مهدی شیرازی ۱۲۲۵ هجری (مجموعه ج ۰ - مزدا)

۲ - تصویر زن رقاصه (مجموعه ع . مزدا) کلاه لبه‌داری بسر گذارده و جامه گرانبهائی در بر کرده بازو بند و لبه آستین و پیش سینه او بجواهر الوان مزین شده . شال پهنی را در برابر قامت خویش بهوا بلند نموده و بدن خود را بهمان تناسب بجلو خم کرده است - در ضمن نمایش این حرکت سازنده تمییز از شیوه استادان اصفهان کرده که پس از زوال دولت صفوی ازین نرفته بلکه اساس نهضت دوران اخیر را تشکیل میداده چهره زن باچشمان خمور و ابروان بهم پیوسته و نیم لبخند مرصع دیگری را نشان میدهد که در ضمن ارتباط با اسلوب استادان یکه صورت ساز هنری که در تحت تأثیر ذوق اروپائی و کارهای مکتب فلاماند و فلورانس پرورش یافته حاصل شده .

یادگار سبک شیراز در این تصویر منحصر بحالت چهره و طرز آرایش سرنموده بلکه نقش پارچه و تزئینات روی دامن و حاشیه بطرح محرماتی توجه بیننده را جلب نموده و کارهای مکتب استاد ابراهیم شیرازی و لطف علی را یاد می‌آورد .

از مضمون نوشته کنار تصویر که بخط شکسته نوشته شده چنین استنباط میشود که سازنده آن استاد مهدی آقرا در سال ۱۲۳۵ بتاریخ شهر رجب المرجب جهت دوستی تقدیم نموده :

و برای یادگاری جهت دوست حقیقی تقدیم شد که هروقت تماشای این صورت کند البته مرا فراموش نخواهد کرد این ناقابل را بتاریخ سوم رجب المرجب - مهدی شیرازی ۱۲۳۵ - من نمانم این بماند یادگار  
غرض نقشیست کز ما باز ماند      که هستی را تمی بینم بقائی  
مگر صاحب‌دلی روزی بر حمت      کند در حق درویشان دعائی ،  
با آنکه برخلاف معمول سازنده بمنظور وضوح مطلب هویت کار خود را تعیین نکرده جمله این ناقابل و اشعار بعد رفع این نقصان درانموده و هر گونه شك و تردید را بر طرف می‌نماید .



مجموعه معبرالممالک

تصویر ۳. شیخ دوستلیخان بهمنام میرزا باباقاش ۱۲۹۳



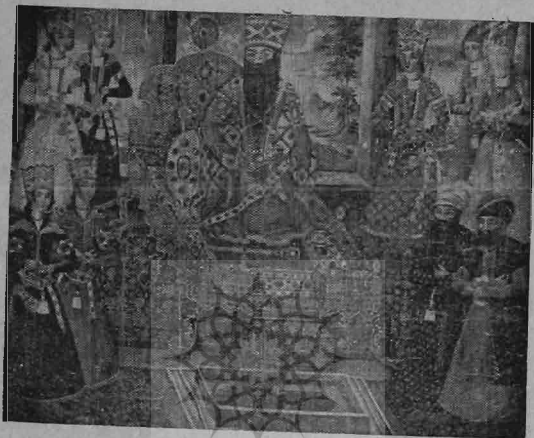
۳- از کارهای میرزا بابا تصویر است از دو ستملیخان معیرالممالک (مجموعه معیرالممالک) که در پیش نهر آبی و منظر ییلاقی ایستاده سرداری در بر کرده و کلاه بلندی بر سر نهاده، نه تنها از حیث وضع جامه و شلوار بر نفوذ تمدن اروپائی گواهی میدهد بلکه منظره کوه و درخت و سگ کورچکی که در جلوی تصویر ایستاده و بطرف صاحبش توجه نموده همه چیز خاطرات نقاشی باختر را بیاد میآورد.

میرزا بابا از نقاشان مشهور دربار فتحعلیشاه است که نام او بیشتر بر روی قلمدان و تصاویر روغنی (زیر لاک) خوانده میشود که جهت این پادشاه ساخته شده. گذشته از نمایش جزئیات چهره که بقلم پرداز تقریباً در بیشتر کارهای او دیده میشود منظر طبیعت درخت دار از خصایص ذوق او میباشد. شاید نتوان بطور دقت معلوم نمود که این منظر از روی کدام تصویر دورنمای طبیعی اروپائی اقتباس شده چرا که استاد آن را تا اندازه ای بمیل و ذوق خویش تغییر داده است.

نوشته تاریخی این تصویر عبارتست از: شبیه عالیجاه مقرب الخاقان دو ستملیخان ادامه اله عمره و دولته در سن بیست و یک سالگی سنه ۱۳۶۳ عمل کمترین میرزا بابا الحسینی امامی.

۴- تصویر مجلس به تخت نشستن فتحعلیشاه (مجموعه سر لشکر محمد حسین فیروز) برده رنگ روغنی تاج مرصع بسر و بازو بند و کمر بند و شمشیر و خنجر جوهر نشان و ریش تشریفاتی زینت پیکر سلطان را تکمیل نموده، در پیش رویش گرز دستی مرصع و در پشت سر او پنخشی از منکای زربفت و تخت او نمودار است. پیش تخت سلطنتی حوض کوچک مرمر قرار گرفته و در دو طرف آن دو وزیر و شاه زادگان خرد سال و خدمتگذاران دست بسینه در حال ادب ایستاده اند.

تخت سلطان بشکل مستطیل است که بر روی شش پایه نیمه هلال قرار گرفته و پله زیبایی در پیش آن نموده شده. تمام سطح تخت بطرز معرق بازر و سیم و گهرهای گرانبها و بکلهای درشت پرپرترین شده و مخصوصاً



تصویر ۱- مجلس بخت نشستن نادر شاه (جموعه پسر لشکر محمد حسین فیروز)

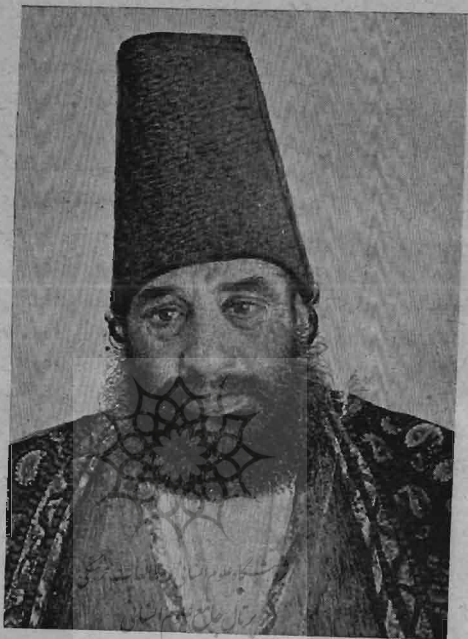
پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی

آفتابیکه در پشت تخت دیده میشود با کمال مهارت و استادی ترسیم شده است. شخص سلطان و تخت او قسمت مهم مجلس را اشغال کرده و چون بر طبق برنامه مناظر و مزایای آن زمان نمایش تخت دراز سلطان از روبرو خالی از اشکال نبوده ناچار سازنده منظر را از گوشه سمت چپ ملاحظه کرده و حرکت نیم رخ سلطان جهت آنرا کاملاً مشخص میسازد. همین توجه در ضمن نگاه وزیران و شاهزادگان نیز منظور گردیده خاصه دو شاهزاده جوانیکه در سمت راست ایستاده اند ناچار این توجه را بوسیله نگاه چشم ادا نموده اند.

با اینکه زمان ساخت این تصویر را باید در نیمه قرن سیزدهم دانست ولی بنظر نمی رسد که سازنده منظر تاریخی معینی را بمعرض نمایش گذارده و تصویر سلطان و تخت او را از روی طبیعت تقلید کرده باشد و چنانکه می دانیم نقاشان دربار نیز کمتر موضوع شباهت ظاهری را مورد توجه قرار داده اند و در بین تصاویر بیشماری که از مجالس مختلف فتحعلیشاه روی بارچه و روی گنج باقلمدان و جعبه در دست مانده و برخی از آنها را نیز بزرگترین نقاش های زمان مانند میرزا باقرسیم نموده اند، آنچه که منظور اصلی سازنده را تأمین میکرده معرفی اندیشه عظمت و جلال سلطنت بوده است و بس که حال سکون و ابهت منظر بهترین وسیله نمایش آن بوده.

دور نمای کوچکی که به سبک فلورانس از دریچه ایوان منظره آسمان ابردار و درختان منطبق و کوه های کوتاه را نمایش میدهد بمنزله مهر و نشان اروپائی است که بر صفحه ذوق ایرانی ثبت شده و از این بعد آثارها نخواهد کرد. ه- شبیه یکی از مستوفیان بصورت پیرمردی با بدن فربه که جبهه از قرمه بدوش انداخته و کلاه دراز بر سر گذارده است (مجموعه محسن مقدم). چهره سالخورده و محنت دیده مرد با ابروان پر مو و چشمان تنگ که در زیر حلقه و دور آن چین زیاد نموده شده و همچنین موی مجعد ریش قابل توجه میباشد.



تصویر ۵۰ - شبیه یکی از مستولیان زمان ناصر الدین شاه، از کارهای ابوالحسن قفقاری (مجموعه معین مقدم)

این تصویر نمونه‌ای از دوران تکامل فن بکه صورت ساز است که در آن نقاش ایرانی ضمن آشنائی با ذوق اروپائی بدین نکته پی برده که برخی از سازندگان اروپائی مانند اینگر (Ingres) و فیلیپ دو شامپانی Philippe de Champagne از راه نگاه و حرکت دست و اندام حالت روحانی و شغل اشخاص را بیان کرده شمایل و شبیه آنهارا معرفی کامل ایشان داشته‌اند. از این روز در نزد نقاشان ایرانی نیز مانند اروپائیان پس از چهره انگشتان دست و حرکت آن مورد توجه بوده و حتی المقدور از نمایش آن رایجی از مقاصد خویش استفاده کرده‌اند. و بچهره‌های ساده جوانان کمتر اهمیت داده بیشتر حالت درونی را در چهره مردان سالخورده تجسس میگردند. نام خانواده غفاری خاصه ابوالحسن شهرت بسزائی یافته است. و یکی از کارهای او که با این تصویر قابل مقایسه میباشد تصویر عباسقلیخان متعهدالدوله است که در سال ۱۲۷۳ هجری با تمام رسیده و امروز در یکی از مجموعه‌های خصوصی تهران بافت میشود.

رو بهمرفته سبک کار این استاد در طرز نمایش کلاه و پوستین بلند و ریش انبوه با حلقه‌های سر برگشته که از زیر کلاه بیرون آمده آشکار میشود همچنین حالت بشاش چهره و چشمان فرحناک که بر عشق و علاقه بزندگی گواهی میدهد.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی